

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور روستار تره کی

۱۱.۰۷.۰۹

از جنگ برای دموکراسی تا دموکراسی برای جنگ

پاسداران جهانی شدن سرمایه و سیاست ، پس از کنفرانس بن دو سوغات برای افغانستان اهداء کردند : جنگ و دیموکراسی .
– به جنگ به مثابه سوغات اول ، نام مبارزه با تروریسم داده شد تا جاذبه بیشتری برای جلب حمایت مردم بیزار از جنگ های کلاسیک داشته باشد .

اکنون از عمر این جنگ قریب هشت سال سپری میشود . در آغاز مطبوعات و مدیای جهانی که در بست در اختیار پیشگامان ماندلیزاسیون (گلوبلیزیشن) قرار داشت ، موفق گردید تا ذهنیت عامه بخشی از مردم افغانستان و جهان را علیه آنچه تروریسم نامیده میشود ، بشوراند . ملل متحد نیز به حمایت از جنگ کشانیده شد و به آن تاپه مشروعیت زد . اما به موازات نفوذ مقاومت در میان ولس پشتی بانی مردم از جنگ ضد تروریسم کاهش یافت و مشروعیت آن زیر سؤال قرار گرفت .

کانالیزه کردن ذهنیت عامه از طریق تبلیغ و پروپاگند از جانب قدرت های مسلط در سیاست بین المللی برای تأمین اهداف معینی چیز تازه ای نیست : شرق میانه عربی به دلیل داشتن ذخایر بزرگ انرژی ، در مقطع های مختلف تاریخ بستر داغ جنگ « ایزم » ها بوده است . درین جنگ ممالک صنعتی داری لیبرال از طریق ماشین های گول پیکر تبلیغاتی به قصد شکل دادن ذهنیت عامه داخل کارزار شده اند : گاهی اخوانیزم را در برابر سوسیالیسم . زمانی ناسیونالیسم را علیه انترناسیونالیسم و وقتی دموکراتیزم را مقابل توتالیتاریزم قرار داده اند . هم اکنون بازار برخورد مدرنیسم با فاندمنتلیزم و تروریسم گرم است .

تقابل ترمنولوژی های سیاسی ، قالب تراشی پخپل سر برای آنها و کشانیدن عوام الناس بیسواد و کم سواد درین تقابل از مجرای تبلیغ ، تحمیق و اغوا فیل پایه سیاست ممالک پیشرفته صنعتی را در برخورد با ممالک عقب مانده بی خبر از دنیا تشکیل میکند .

قریب ده سال قبل کشور های عربی برای ارائه معلومات و اطلاعات دست اول و تفه برای ایجاد وزنه مقابل پروپاگند غرب و اثر گذاری بر ذهنیت عامه امواج رادیویی خود را تقویت کردند و در عین حال شبکه مشهور تلویزیونی « الجزیره » را به

وجود آوردند. این شبکه، انحصار پروپاگند را از کشور های غربی سلب میکرد. بناءً بارها معروض به حمله تبلیغاتی ممالک غربی قرار گرفت.

در فاصله اندک زمانی از تجاوز شوروی تا تهاجم ناتو برخورد غرب در برابر مقاومت افغانستان به شیوه حیرت انگیز آگنده از دوگانگی و دو روئی بود:

در جریان تجاوز شوروی به افغانستان ممالک غربی روحیه آزادی خواهی افغانها را میستودند، آنها سرمشق تاریخی و افسانه‌ئی برای سائر ملل قیاس میکردند و به آن نام جنبش مقاومت و آزادی خواهی داده بودند.

فقط طی هشت سال پس از کنفرانس بن با تهاجم قوای ائتلاف نظامی بین المللی به افغانستان عقربه های سیاست بین المللی که از ارزش های ماندبالیزاسیون متأثر شده بود، ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد. توأم با آن حق حاکمیت ملی، آزادی خواهی، مقاومت و غیره موردی برای مصرف در کارگاه ماندبالیزیشن نداشت. ترمولوژی های کلاسیک در زباله دان ریخته شد. به عوض آنها اصطلاحاتی چون «دهکده جهانی»، «کم رنگ شدن سرحدات»، «جهانی شدن کار و سرمایه» و غیره تولیدات ماشین پروپاگند غرب شناخته شد.

دستگاه های غول پیکر پروپاگندی غرب استقامت صدور این اصطلاحات را ضمیمه عملیات جنگی، متوجه افغانستان و عراق ساخت. مهاجمین با مردم افغانستان به مثابه رمه گوسفند قربانی به پیشواز حلول دنیای جدید برخورد کرد که سیمت چوپانی آن بدوش ماندبالیست ها بود.

مردم باید فکر و ذکر خود را در قالب های فرمایشی که در کارگاه های پروپاگندی ریخته شده بود، شکل میداد. از عوام الناس اسیر در غوزه سنت حق اینکه در مورد وطن، آزادی و مقاومت به حکم واقعیت های ملموس جامعه به شیوه کلاسیک و قبیله‌ئی جنگ های افغان و انگریز و افغان و شوروی فکر کند، سلب گردید. ماندبالیست ها به این هم اکتفاء نکردند: برای افغانها خط انفصال در تشخیص خیر و شر و دوست و دشمن و فرشته و اهریمن رقم زدند.

برخورد غرب با جامعه افغانی زور گویانه و مغرورانه بود و با واقعیت های سرسخت جامعه در تصادم قرار گرفت: دهقان و پیشه ور مسلمان و سنت گرا به سرباز مسلح «موی زرد و چشم سبز» که درب کلبه اش را به لگد باز میکند و زنش را تلاشی مینماید به دیده همان «گوره»، «فرنگی» و دشمن دین و ناموس نگاه کرد که اجدادش به استعمار انگریز و روس نگاه کرده بود.

فقدان واقعیتی غرب در برخورد با افغانستان بحران محدود قابل کنترول را به معضله بغرنج و لگام گسیخته منطقه‌ئی جهانی تبدیل کرده است.

- **دموکراسی** در کشور های پیشرفته صنعتی یک واقعیت بزرگ و در ممالک عقب مانده دارای ساختار قبیله‌ئی یک دروغ بزرگ است. این دروغ بزرگ وقتی فاجعه آفرین میشود که از بیرون با خشونت دیکتاد شود و مجریان آن مهاجمین خارجی از یک سو و قاچاق بران، متهمین به جنایات جنگی و ناقضین حقوق بشر از جانب دیگر باشد. درین حال دموکراسی خود اپوزیسیون مسلح می آفریند و منبع تغذیه جنگ های دوامدار و فرساینده قرار میگیرد.

دموکراسی این دروغ بزرگ وقتی جایش را به واقعیت بزرگ خالی خواهد کرد که افغانستان با اتکاء به امکانات داخلی خود با احتیاط قدم های تدریجی به سمت پیاده کردن اصول دموکراسی بردارد. درین میان شرط کلی اینست که دموکراسی در محور معادله قدرت در داخل کشور شکل بگیرد و افغانستان به مثابه موره شطرنج در بازی های سیاسی منطقه‌ئی در اختیار کشور های دارای حضور نظامی قرار نداشته باشد. یعنی از دموکراسی و انتخابات به مثابه روپوش پر زرق و برق ادامه جنگ به قصد تأمین منافع ژئوپولتیک استفاده نشود.

به هر حال! جنگ افغانستان طی دو مرحله قابل توجه است:

مرحله اول «جنگ برای دموکراسی». درین مرحله مخالفین مسلح در گروه های پراگنده کوچکی مقاومت ضد دموکراسی وارداتی را تمثیل میکردند و بالای شان نام طالب، بنیاد گراء و القاعده گذاشته شده بود. این گروه ها در حواشی بدنه آسیب

پذیر نظام دارای ظواهر دموکراتیک جا به جا شده بودند . جنگ شانرا اشغال خارجی، فساد ناشی از بوروکراسی و لگام گسیختگی مولود دموکراسی تغذیه میکرد .

مرحله دوم « دموکراسی برای جنگ » را شامل میشود . طی این مرحله به موازات توسعه عملیات نظامی ناتو در سراسر افغانستان ، دموکراسی به هیولای آدم خوار بدل میشود که در مدت هشت سال جنگ قریب یک صد هزار نفر را از هستی ساقط کرده و کلیه های بی شماری را با خاک یکسان نموده است.

در مرحله دموکراسی برای جنگ ، ناتو برای ادامه ستیزه گری باید انگیزه ای به دست داشته باشد. این انگیزه را دفاع از یک حکومت مشروع ؟ ! ناشی از انتخابات ؟ ! به دسترس ناتو میگذارد. بناءً انتخابات باید به میدان محاربه کشانیده شود . درین حال ناتو از انتخابات به مثابه حربه سرکوب مخالفین و استمرار جنگ استفاده میکند .

گپ مهم اینست که به شهادت تاریخ در جنگ های تهاجمی و تحمیلی ، آخرین گلوله را مردمی شلیک کرده اند که به دفاع از خانه خود و ارزش های خود روی انگیزه های عقیده تی به معرکه کشانیده شده اند نه شرکت های سهامی متصدی صدور جنگ و دموکراسی ...

« پایان »

فرانسه - ۹ جولای ۲۰۰۹